

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه:	استار، هاروی
عنوان و نام پدید آور:	Starr, Harvey
در باب ژئوپولیتیک: فضا، مکان و روابط بین الملل/مؤلف هاروی استار؛ مترجمان الهام کشاورز مقدم، عزت‌اله میرزائی.	
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری:	۲۴۷ص: وزیر.
فروست:	انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ ۷۱۶.
شابک:	۲-۶۲۱-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸: ۲۰۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی:	فیفا
یادداشت:	عنوان اصلی. c2013, On geopolitics : space, place, and international relations
عنوان دیگر:	فضا، مکان و روابط بین الملل.
موضوع:	سیاست جغرافیایی
موضوع:	Geopolitics
موضوع:	روابط بین المللی
موضوع:	International Relations
موضوع:	سیاست جهانی
موضوع:	World Politics
شناسه افزوده:	کشاورز مقدم، الهام، ۱۳۶۶ -، مترجم
شناسه افزوده:	میرزایی، عزت‌اله، ۱۳۶۳ -، مترجم
شناسه افزوده:	دانشگاه علامه طباطبائی
رده‌بندی کنگره:	JC ۳۱۹
رده بندی دیوئی:	۳۲۷/۱۰۱
شماره کتابشناسی ملی:	۹۹۴۵۳۵۷

در باب ژئوپولتیک

فضا، مکان و روابط بین الملل

مؤلف:

هاروی استار

مترجمان:

دکتر الهام کشاورز مقدم

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

دکتر عزت اله میرزائی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



در باب ژئوپولتیک

فضا، مکان و روابط بین الملل

مؤلف:

هاروی استار

مترجمان:

دکتر الهام کشاورز مقدم

دکتر عزت اله میرزائی

زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۷-۶۲۱-۲

سروراستار: دکتر نازیلا فرمانی انوشه

صفحه آرا: فریده دیوباد

طراح جلد: علی قادری

ناظر فنی: عبدالرضا گودرزی

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷

فروشگاه آنلاین انتشارات book.atu.ac.ir

سایت مرکز چاپ و انتشارات press.atu.ac.ir

سایت فروشگاه الکترونیکی mybooket.com/atu

آدرس فروشگاه مرکزی: تهران انتهای بلوار دهکده المپیک، دانشگاه علامه طباطبائی

روبه روی ساختمان مرکزی جنب باجه بانک ملی تلفن: ۴۸۳۹۲۶۵۹ همراه: ۰۹۹۰۲۴۹۹۹۸۵

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰

چاپ اول ۱۴۰۳

فهرست مطالب

دربارهٔ مولف.....	۵
مقدمه مترجمین.....	۱
پیش‌گفتار.....	۷
فصل اول: جغرافیا و روابط بین‌الملل.....	۹
مفروضات و اهداف اولیه.....	۹
سفری شخصی در زمان و فضا.....	۱۳
زیر پا گذاشتن مرزها.....	۱۵
مثلت اکولوژیک، فرصت و تمایل و فرصت تعامل.....	۱۶
نتیجه‌گیری فصل اول.....	۲۳
فصل دوم: فضا و مکان - قدرت مکان و تحلیل فضایی.....	۲۵
آنجا چه چیزی در مورد فضا وجود دارد؟.....	۲۵
انواع فضا/ موقعیت مکانی نسبی.....	۳۰
فضا و زمان و مکمل بودن فضا/ زمان.....	۳۷
اهمیت «مکان».....	۴۲
نکته پایانی: چگونه فضایی بودن را مطالعه کنیم؟.....	۴۴
نتیجه‌گیری فصل دوم.....	۴۶
فصل سوم: سرزمین، مجاورت و جغرافیای ستیزش‌های بین‌المللی.....	۴۷
تجمع و ستیزش بین‌المللی.....	۴۷
فضا، سرزمین و ستیزش بین‌المللی.....	۴۹
جغرافیا به مثابه شرایط تسهیل‌کننده.....	۵۵
جغرافیا به عنوان منشأ ستیزش.....	۵۹

نتیجه‌گیری فصل سوم	۶۳
فصل چهارم: مرزهای بین‌المللی در عصر جهانی‌شدن	۶۵
«مکان» در نظام وستفالیایی	۶۵
مفاهیم واقع‌گرایانه/ قانونی مرزها	۶۶
رویکردهای غیر واقع‌گرایانه: زیر سؤال بردن اهمیت مرزها	۷۰
مرزها در نظام معاصر: چرا باید به آن‌ها اهمیت داد؟	۷۲
بازبینی مرزها و فرصت‌های تعامل	۷۳
کارکردها و اثرات مرزها - قانونی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی	۷۵
نتیجه‌گیری فصل چهارم	۷۹
فصل پنجم: اتحادها و ژئوپلیتیک	۸۱
ترکیب نظریه و جوهره: اتحادها	۸۱
مفهوم‌سازی اتحاد	۸۱
جایگاه اتحادها در ژئوپلیتیک	۸۵
اتحادها در مؤلفه جغرافیایی ساختار	۸۸
اتحادها و فرصت	۸۹
اتحادها به مثابه ابزارهای سازش	۹۴
اتحادها و تمایل	۹۷
نتیجه‌گیری فصل پنجم	۹۹
فصل ششم: ابزارهای جغرافیایی - سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی به کار رفته در	
سیاست بین‌الملل	۱۰۱
مفهوم‌سازی (و مفهوم‌سازی مجدد) مرزها	۱۰۱
روش‌شناسی: ARC/INFO و مفهوم‌سازی و به‌کارگیری مرزها	۱۰۴
تحلیل ستیزش با استفاده از GIS (سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی)	۱۰۵
ARC/INFO و مطالعه مرزها	۱۰۶
فرصت (سهولت تعامل)	۱۰۷
نتیجه‌گیری فصل ششم	۱۱۸
فصل هفتم: ماهیت مرزها و ستیزش	۱۲۱

۱۲۱.....	GIS، مفاهیم و معیارها.....
۱۲۲.....	بررسی مجدد فرضیه‌های مربوط به ستیزش: مرزها، اتحادها و گسترش.....
۱۲۴.....	بازبینی مرزها به‌عنوان بخشی از پازل جنگ (برش نخست).....
۱۲۷.....	بررسی مجدد فرضیه‌های روابط بین‌الملل: تحلیل بحران.....
۱۳۰.....	تحلیل مجدد بحران‌ها با مجموعه داده‌های GIS.....
۱۳۵.....	بازبینی مرزها، سرزمین‌ها و ستیزش‌ها (برش دوم).....
۱۳۶.....	بازگشت به واسکوئز و دویچ.....
۱۴۳.....	نتیجه‌گیری فصل هفتم.....
۱۴۵.....	فصل هشتم: ماهیت مرزها و همکاری - یکپارچگی در اتحادیه اروپا
۱۴۵.....	استفاده از معیارهای GIS برای مطالعه همکاری.....
۱۴۶.....	مرزها و وابستگی متقابل / یکپارچگی: دیدگاه دویچی.....
۱۴۹.....	طراحی و تحلیل: هشدار مهم.....
۱۵۵.....	نتیجه‌گیری فصل هشتم.....
۱۶۱.....	فصل نهم: پویایی جغرافیا و سیاست جهانی
۱۶۹.....	واژه نامه.....
۱۷۳.....	فهرست منابع.....
۱۸۵.....	فهرست اسامی.....

دربارهٔ مولف

هاروی استار، استاد کالج امور بین‌الملل داگ هامرشولد، گروه علوم سیاسی دانشگاه کارولینای جنوبی است. دکتر استار به‌عنوان نویسنده‌ای پیشگام در زمینهٔ مطالعات ستیزش، ژئوپلیتیک و گسترش، نویسندگی یا تألیف چهارده کتاب و رساله و بیش از نود مقالهٔ چاپ شده در مجلات و کتاب‌هایی همچون «سیاست جهانی: فهرستی از انتخاب‌ها» را بر عهده داشته است که به چاپ دهم رسید. از جمله خدمات او می‌توان به ریاست بخش فرایندهای ستیزش APSA، معاونت APSA، ریاست انجمن (بین‌المللی) علوم صلح و معاونت و ریاست انجمن مطالعات بین‌المللی اشاره کرد.

مقدمه مترجمین

برای ترسیم مختصات الگوهای رفتاری یک کنشگر در عرصه سیاست خارجی، مطالعه و تدقیق در فرایند مناسبات، تعاملات و حتی نگرش‌های خصمانه در جهت‌گیری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسیار با اهمیت است. با اینکه عنصر قدرت در شکل بخشیدن به الگوهای رفتاری، نوع رابطه و نگرش کنشگران نسبت به یکدیگر مرکزیت دارد اما در این میان عنصر ژئوپلیتیک، نقش بسترساز و زمینه‌ساز را ایفا می‌نماید و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری تصمیم سیاست خارجی، اثرگذاری بر سطح و دامنه قدرت کنشگر و کنشگری کنشگر مقابل را موجب می‌شود. در اینجا است که روابط ژئوپلیتیک میان کنشگران به صورت تعامل، رقابت، تقابل و حتی سلطه شکل می‌گیرد. در طول تاریخ همواره عنصر جغرافیا موجب پیروزی و شکست دولت‌ها حتی در سطح قدرت‌های بزرگ بوده است. در نگاه سستی دوره‌های بی‌ثباتی/ثبات و پایداری در نظام بین‌الملل مبتنی بر تمایل خواهی کنشگران جهت افزایش سهم خواهی ژئوپلیتیک روی داده است چرا که ساختار در نظام ژئوپلیتیک به صورت سلسله‌مراتبی است و در چارچوب نگرش سستی هر کنشگر بر اساس ظرفیت قدرت ملی و موقعیت ژئوپلیتیک خود می‌تواند نظام توزیع قدرت را به سود خود بچرخاند. چنین دریافتی از مسأله ژئوپلیتیک گرچه در طول دو جنگ جهانی از سوی کنشگران پیگیری می‌شد اما در جریان جنگ سرد و بلوک‌بندی کشورها در ذیل دو قطب برتر نظام بین‌الملل، به حاشیه رانده شد. رقابت‌های خصمانه دو ابرقدرت در بازتعریف قدرت معنایی و چارچوب ایدئولوژیک منجر به فروپاشی شوروی و ظهور چالش‌های ژئوپلیتیک جدی در آسیا و اروپا گردید. تغییرات الگویی ناشی از دگرگونی ساختار نظام بین‌الملل، موجب محوریت مسأله ژئوپلیتیک و بازتعریف معنایی در این حوزه گردید. بدین ترتیب در کنار عنصر

مکان یعنی سرزمین (قلمرو) و مرز، نظریات انتقادی از مقوله‌های مهمی چون فضا، ساختارهای هویتی، قومیت‌ها و جنبش‌ها به مثابه نیروهای اجتماعی یاد می‌کنند. در میان مفاهیم فوق آنچه در میان مطالعات ژئوپلیتیک و حتی جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی فرهنگی در عصر حاضر اهمیت دارد، فضا‌مندی پدیده‌های جغرافیایی و یا اجتماعی است. به عبارت دیگر فضا، جایگاهی است که در آن کنش رخ می‌دهد و تمامی مکان‌ها را در بر می‌گیرد. فضا‌مندی را می‌توان در پرتو سه رویکرد ملاحظه کرد: نخست اقتصاددانان و جغرافی‌دانان اقتصادی‌اند که بر موقعیت مکانی یا فضای خاص، توزیع فضایی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از هزینه‌های عوامل بین‌مکانی و تفاوت قیمت بازار تأکید کرده‌اند. دوم جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان انسان‌گرا هستند که در پی بررسی منطقه، یعنی محیط‌هایی برای تعاملات اجتماعی روزمره جاری در یک مکان برآمده‌اند و سوم انسان‌شناسان و جغرافیدانان فرهنگی هستند که به احساس تعلق به مکان یا تعیین هویت بر اساس مکان در نتیجه زندگی در آن علاقه نشان داده‌اند. بنابراین در کنار رویکردهایی که مطلقاً مفهوم جغرافیایی مکان را در مطالعات ژئوپلیتیک در نظر می‌گیرند به شکل ملموسی فضا‌مندی پدیده‌ها نامأنوس است. از این رو، کتاب پیش رو تلاش دارد در کنار مؤلفه‌های فیزیکی و مکان‌مند همچون مرزهای جغرافیایی، به تأثیرات فضایی بر روی ستیزها و منازعات نیز توجه نماید. شناسایی دقیق و تحلیل و بررسی زمینه‌های مهم برای کنشگران درگیر در روابط بین‌کشورها، هدف مطالعات ژئوپلیتیک است. لذا کتاب حاضر، علاوه بر این زمینه‌ها، به محیط‌ها و موجودیت‌های درون آن‌ها نیز تأکید نموده است. چراکه درک این موجودیت‌ها از محیط موجب می‌شود که پژوهشگران علاقه‌مند به عرصه بین‌الملل و جامعه‌شناسی سیاسی و فرهنگی در مطالعات خود صرفاً بر عامل خاصی (مانند جغرافیا) متمرکز نشوند. از این رو، کتاب حاضر، چارچوب تمایل و فرصت مفهومی از فضا را برای آن‌ها تداعی می‌کند که بر اساس آن می‌توان به تأثیر کنش در شکل‌دهی به قوانین و گزینه‌های جایگزین برای دوری از نبردهای ژئوپلیتیک اقدام کرد. در این معنا، فرایند تحلیل و بررسی به‌گونه‌ای پویا در نظر گرفت شده که در آن فضا عاملی پیشامدی و سرزمین‌گرایی دائماً در حال حرکت است؛

بنابراین باید از تجسم ایده‌نگارانه مکان‌ها یا فضاهای خاص اجتناب کرد. به زبان ساده، پیکربندی و بازپیکربندی فضا در چارچوب روابط بین‌الملل پویایی مداومی دارد که اتحادها سازوکارهای مهمی در این پویایی محسوب می‌شوند.

به بیان دیگر در یک معنای عام، نکته جالب توجه نگرش فضا‌مندی به مفهوم اتحادهاست. بدین معنا که اتحادها می‌توانند به پرش از فاصله و جغرافیا کمک کنند. آن‌ها با این کار معنای فاصله، فضا و چیدمان فیزیکی ویژگی‌های زمین را نیز تغییر می‌دهند؛ اتحادها همان‌قدر که به مرزهایی قابل دست‌کاری قابل تشبیه هستند به «فناوری‌های سیاسی» نیز تشابه دارند. نمایش سریع توانایی نظامی از طریق دیپلماسی و انعقاد پیمان با تغییر فاصلهٔ مطلق و زمان فاصلهٔ بین واحدها می‌تواند واقعیت‌های ژئوپلیتیک سابق را بی‌معنا کند. کشور الف که با کشور ب مرزی هم‌جوار ندارد اکنون می‌تواند از طریق اتحاد با کشور ج که با ب هم‌جوار است، با کشور ب هم‌مرز شود. این موضوع دقیقاً همان اتفاقی است که در جریان بحران کوبا رخ داد. اتحاد شوروی با کوبا موجب هم‌مرزی شوروی با ایالات متحده گشت. این رخداد حاکی از آن است که دامنه فضایی کنش انسان‌ها در حال گسترده شدن و محدودیت‌های جابه‌جایی فضایی بشر در حال کوچکتر شدن است.

با این توضیح می‌توان یکی از درهم‌تنیده‌ترین و پایدارترین روابط در جهان را محوریت گرایش‌ات ژئوپلیتیک قلمداد نمود. به عبارتی، عنصر ژئوپلیتیک مؤلفه‌ای است که در رفتار سیاست خارجی کشورها به وضوح نمایان است. موقعیت جغرافیایی و تأثیر آن بر میزان قدرت نظم‌های سیاسی پیش از وستفاليا، با اتخاذ سیاست‌های توسعه‌طلبی ارضی و در قالب استراتژی جنگ پیگیری می‌گشت. گرچه پس از جنگ جهانی دوم، معنایابی و مفهوم‌پردازی در این زمینه متحول گردید و ژئوپلیتیک انتقادی مسائلی را از جنس متفاوت و غیرفیزیکی همچون هویت، قومیت، جنبش‌های اجتماعی و ... را وارد عرصه مطالعاتی ژئوپلیتیک نمود و دریچه نوینی را در اتخاذ تصمیمات سیاست خارجی گشود اما همچنان مسائل و موضوعات متعدد دیگری در این حوزه وجود دارد یا به عبارتی مدل‌ها و

الگوهای متعددی در رفتار سیاست‌ خارجی مبتنی بر ژئوپولیتیک کشورها حاکی از عمق و ژرفای ژئوپولیتیک و نقش آن در سیاست بین‌الملل است.

آنچه موجب اهمیت ژئوپولیتیک در معادلات و مناسبات امنیتی و رقابت بر سر توزیع قدرت در جهان کنونی شده است را می‌توان در وضعیت سیاست بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی (بروز ستیزش‌های ژئوپولیتیک)، روندهای منطقه‌گرایی در اروپا و سایر مناطق جهان و برجسته شدن حفره‌های امنیتی ناشی از عنصر ژئوپولیتیک در دهه‌های پیشین دانست که موجب افزایش تنش و رقابت در میان کشورهای با سطح قدرت کوچک، متوسط و بزرگ شده است.

درک امنیتی و متناقض کنشگران نسبت به تحول وضعیت سایر قدرت‌ها ناشی از مزیت‌های ژئوپولیتیک، نگرش کشورها را نسبت به علایق و تمایلات دستیابی به موقعیت‌های جغرافیایی خاص و یا بهره‌گیری از مسائل نوین حیطه ژئوپولیتیک انتقادی برای افزایش و کاهش دستاوردها تغییر داد. فروپاشی نظم دو قطبی و شکل‌گیری جنگ سرد به معنای پایان یافتن عصر رقابت ایدئولوژی‌ها قلمداد گردید و در این میان عرصه سیاست بین‌الملل جهت تصمیم و اقدام کنشگران با یک خلأ معنایی، مواجه گشت. تا پیش از این رقابت، همکاری، خصومت و دوستی در چارچوب باورمندی به دو نظم مبتنی بر جهان‌بینی کمونیسم و ایدئولوژی لیبرالیسم بنا شده بود. در شرایط فقدان و فروپاشی نظم مبتنی بر ایدئولوژی، تنها مساله‌ای که ظرفیت و قابلیت شکل‌دهی به الگوهای مختلف دوستی و دشمنی را در عرصه روابط بین‌الملل داشت، ژئوپولیتیک بوده است. از این رو گرچه با پایان جنگ جهانی دوم، نگرش سستی به مساله ژئوپولیتیک و دغدغه‌های سرزمینی فروکش نمود اما با فروپاشی شوروی و شکل‌گیری نظم جدید ژئوپولیتیک در منطقه اوراسیا و ظهور بحران‌های ژئوپولیتیک بویژه در اروپای شرقی، مجدد مساله‌مندی روابط قدرت متوجه ژئوپولیتیک و اثرگذاری آن در تصمیمات سیاست خارجی گردید.

از سویی، شروع روندهای منطقه‌گرایی پس از جنگ جهانی و شکل‌گیری اتحادیه اروپا این پرسش را در اذهان سیاستمداران جهان ایجاد کرد که چگونه روند منطقه‌گرایی قابلیت شکل‌گیری

دارد. توجه به روند شکل‌گیری منطقه‌گرایی موجب افزایش اهمیت ژئوپلیتیک در نظام بین‌الملل شد بدین مفهوم که منطق اصلی یک سیستم منطقه‌ای، ماهیتاً بر اصل مجاورت جغرافیایی استوار است. البته عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز عنصر لازم منطقه‌گرایی محسوب می‌شوند اما آنچه موجب اثرگذاری رفتار هر یکی از کنشگران بر دیگری و باعث پیوند بین اعضای منطقه می‌گردد تا به صورت یک سیستم عمل کنند وجود عنصر مجاورت جغرافیایی است. فضاهای جغرافیایی، بسته به موقعیت، مشخصات و عناصر ساختاری و کارکردی خود دارای ارزش‌های متفاوتی هستند که بعضی از آن‌ها به دلیل عدم عوامل در هم تنیده ژئوپلیتیک موجب ثبات و پایداری و گاه سبب بی‌ثباتی، بحران و ستیزش می‌شوند. به همین منظور می‌توان از وضعیت منطقه‌گرایی در اتحادیه اروپا و خاورمیانه مثال زد که در یک نقطه ژئوپلیتیک منطقه‌ای موجب همگرایی و در جای دیگر موجب افزایش رقابت‌ها و خصومت‌ها میان کنشگران شده است.

افزایش ناامنی و ستیز در برخی از مناطق بین‌المللی (چه در سطح داخلی کنشگران و چه در سطح منطقه‌ای میان کنشگران و گروه‌های شبه دولتی) موجب توجه دولتمردان به شکل‌گیری حفره‌های امنیتی در درون مرزها و فراتر از آن شد. وجود نزاع و ستیزش دائمی و یا طولانی مدت در برخی از مناطق جغرافیایی سبب تحول مفهوم ژئوپلیتیک و چرخش بسوی روایت جدیدی از آن در قالب انتقادی گشت.

از ابتدای شروع روابط کنشگران در چارچوب نظام‌های سیاسی پیش از وستفاليا و بعد از آن (دو جنگ جهانی) و حتی در وضعیت فروپاشی نظم دوقطبی عرصه سیاست بین‌الملل، فروپاشی شوروی و آغاز بحران‌های ژئوپلیتیک و اثرگذاری عنصر جغرافیایی در روند منطقه‌گرایی، ژئوپلیتیک به معنای نقش مکانی جغرافیا در ایجاد موازنه‌های رقابتی با قدرت‌های دیگر در راستای تأمین منافع ملی حایز اهمیت بوده است. به عبارتی عنصر موازنه‌ساز در سطوح منطقه‌ای و جهانی بر اساس مزیت‌های مکانی جغرافیایی معنا می‌گشت و برای تغییر موازنه کشمکش‌هایی در سرزمین‌های هرچند کوچک برای تفوق

سیاسی و یا نفوذ در آن سرزمین با مزیت جغرافیایی شکل گرفت. در حالی که بر اساس تحول مفهومی ژئوپلیتیک انتقادی و نظریه‌پردازی در حوزه "فضا" گستره‌ای از مسائل مطرح گشتند که پیوند فضایی و نه صرفاً مکانی در ژئوپلیتیک را رقم زدند. در واقع، فضامندی پدیده‌ها مورد توجه قرار گرفت.

کتاب پیش‌رو از این منظر اهمیت دارد که برای نخستین بار است که در یک بستر ژئوپلیتیک در چارچوب یک نوشته منسجم از ژئوپلیتیک در تمامی ابعاد و وجوه آن سخن می‌راند و تلاش دارد تا فراتر از مفهوم‌بندی‌های مرسوم، معناهای خاص به کنشگری‌های معمول میان تصمیمات ژئوپلیتیک محور کنشگران ایجاد کند. به همین منظور از همکاری، رقابت و حتی اتحادها روایت نوینی را ارائه می‌دهد و ضمن تأکید بر نقش مرزهای جغرافیایی و فاصله با دو مفهوم جدید "ارزشمندی و فرصت تعامل و تهدید" سعی در ارائه چارچوب نوینی دارد که مبتکرانه به تحریر درآمده است. همچنین با شکل‌دهی به ابزارهای جغرافیایی و سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی کاربردی در سیاست بین‌الملل سعی در بررسی امکان همگرایی و واگرایی مناطق جغرافیایی دارد.

دکتر الهام کشاورز مقدم

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

e.keshavarz@ut.ac.ir

دکتر عزت اله میرزائی

استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

e.mirzaei@atu.ac.ir

پیش‌گفتار

این کتاب برگرفته از نتیجه‌ای است که طی حدود چهار دهه پژوهش و نگارش به دست آورده‌ام و تلفیقی مناسب از پژوهش‌های پایه را برای دانشجویان سطوح مختلف فراهم می‌کند. هدف من از تألیف این کتاب ارائه‌ی مروری بر زمینه‌های متعدد شامل جغرافیا، روابط بین‌الملل و از همه مهم‌تر تحلیل ستیزش و مشخص کردن نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. رابطه‌ی میان ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل طی سال‌های اخیر بارها و به‌طور مداوم محوریت یافته و از آن غفلت شده است. در این کتاب درصدد هستم تا نحوه‌ی شکل‌گیری رابطه‌ی فعلی بر مبنای دیدگاه «امکان‌گرایی» جغرافیایی و فضایی و همچنین نسخه‌های متعدد «فضا» را نشان دهم. این رویکردها موجب شده‌اند تا توجهات مجدداً به جغرافیا و ژئوپلیتیک جلب شوند و این دو مفهوم از سیاه‌چاله جبرگرایانه و ایدئولوژیکی که از زمان جنگ جهانی دوم در آن افتاده بودند نجات داده شوند. در این کتاب بر اهمیت زمینه‌ی فضایی در درک روابط بین‌الملل، لزوم در نظر گرفتن زمان و فضا و همچنین دیدگاه موقعیتی و دیدگاه ادراکی / نمادین / ساخته‌شده درباره فضا و مکان تأکید دارم. همچنین قصد دارم با قرار دادن مبحث خود در نظامی از جهان که به‌طور فزاینده‌ای جهانی، وابسته به هم و فراملی شده است نشان دهم که چگونه رابطه‌ی میان ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل کاملاً کنشگران دولتی و غیردولتی را به‌طور یکسان در بر می‌گیرد.